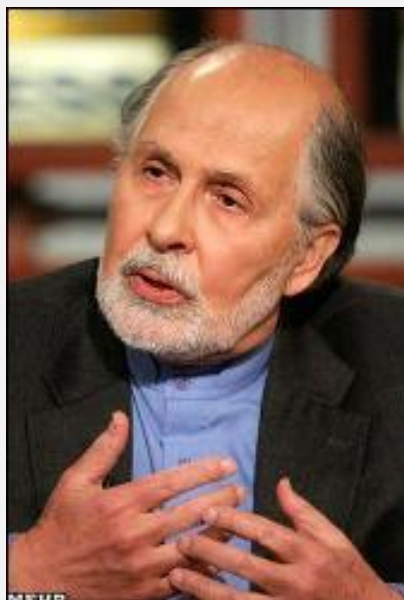


دیدگاه سنت گرایان در باب حقانیت دینی

سید حسین نصر فیلسوف اسلامی و استاد علوم اسلامی در دانشگاه جرج واشنگتن در گفتگو با خبرگزاری مهر به تشریح دیدگاه سنت گرایان از جمله خود وی در باب حقانیت دینی پرداخته است.



دیدگاه سنت گرایان در باب حقانیت دینی / انتقاد از برخی سوءتعبیرها
سید حسین نصر فیلسوف اسلامی و استاد علوم اسلامی در دانشگاه جرج واشنگتن در گفتگو با خبرگزاری مهر به تشریح دیدگاه سنت گرایان از جمله خود وی در باب حقانیت دینی پرداخته است.
به گزارش خبرنگار مهر، پروفیسور سید حسین نصر متأله و فیلسوف برجسته اسلامی و استاد علوم اسلامی در دانشگاه جرج واشنگتن است. معرفت و امر قدسی، سه حکیم مسلمان (ابن سینا، ابن عربی و سهروردی) و سنت عقلانی اسلامی در ایران از جمله آثار او به شمار می‌روند. در خصوص حقانیت دینی از دیدگاه سنت‌گرایان که او از نمایندگان اصلی آن در حال حاضر به شمار می‌رود گفتگویی را گروه دین و اندیشه خبرگزاری مهر با این فیلسوف برجسته معاصر انجام داده که از نظر می‌گذرد.

گروه دین و اندیشه: شما معتقد هستید که حقانیت یک دین در زمانی قابل طرح است که برای نمونه فرد در یک محیط سنتی زندگی کند و از درک و لمس حقیقت ادیان دیگر محروم باشد. همچنین معتقد هستید که زندگی در یک مکانی که امکان درک و لمس حقیقت ادیان دیگر وجود دارد باعث می‌شود که یا همه ادیان را پذیرفت یا اصلاً دینی را نپذیرفت. بر این اساس چگونه می‌توان حقانیتی برای دینی قائل شد؟

نصر: حقانیت موضوع روشنی است و به این معناست که آیا دینی از حقیقت می‌آید و در آن حقیقت است یا نه. بحث این است که آیا یک دین از حق می‌آید یا نه. حق از اسماء الهی است.

بر این اساس شما معتقد هستید که اگر فرد در محیطی باشد که درکی از حقیقت ادیان داشته باشد ناگزیر همه ادیان را انتخاب خواهد کرد؟

من نگفتم انتخاب می‌کند. بحث من این است که چنین فردی حقیقت ادیان دیگر را درک می‌کند.

با این وجود اگر فرد در مقام انتخاب دینی برآید چگونه می‌تواند دینی را انتخاب کند؟

فرض کنیم شما جلوی مجلس ایستاده‌اید و می‌خواهید راه‌آهن تهران بروید. ممکن است بگوئید که باید از سمت راست حرکت کنم یا بگوئید که باید به سمت پائین بروم. ملاحظه می‌کنید که راههای مختلفی برای رسیدن به مقصد شما وجود دارد.

بر این اساس حقانیت به این معناست که راهها درست است و به مقصد می‌رسد و برای نمونه از مجلس به راه آهن می‌توان بر اساس آن مسیرها رسید. ولی باید توجه داشت که شما برای آنکه از مجلس به راه آهن برسید باید یک راه را انتخاب کنید. چون شما می‌توانید یکی را انتخاب کنید.

همواره در نوشته‌ها و مصاحبه های خود مسائل را گفته‌ام ولی عدم تفاهم عمیقی از گفتار من که خیلی صریح و روشن است صورت می‌گیرد. باید توجه داشت که انسان نمی‌تواند چند تا دین را برای عمل کردن به آن انتخاب کند.

پذیرفتن حقانیت ادیان با پیروی از آنها دو مقوله متفاوت و جداست. انسان می تواند فقط از یک دین پیروی کند؛ نه اینکه از همه ادیان پیروی کند و همه را انتخاب کند. اصلاً اینجوری نیست.

وقتی خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید "و لكل امه رسول" به هر ملت و امتی پیامبری فرستادیم، در واقع اثبات همین نکته‌ای است که بنده عرض می کنم. البته این به معنی این نیست که از همه پیامبران پیروی کنید. اصلاً چنین چیزی در قرآن نداریم که از همه پیامبران پیروی کنیم.

پذیرش نظری حقانیت ادیان مختلف از جانب خداوند به این معنا نیست که دین من درست است و همه ادیان غلط است و یا اینکه همه ادیان اصلاً غلط است یا اینکه همه ادیان درست است ولی به معنی ظاهری باید پرداخت و باید با هم دوست بود و نباید به اعماق ادیان پرداخت. ما به همه این حرفها، حرف داریم.

در قرآن کریم آمده که اگر می‌خواستیم برای شما یک دین می‌فرستادیم ولی نفرستادیم و ادیان مختلف فرستادیم که هر کسی به بهترین نحوی زندگی کند. ادعای من هم ادعایی است که در قرآن مطرح شده است.

سنت‌گرایان معتقد هستند که خداوند بیش از یک دین فرستاده است و مسأله ناسخ و منسوخ یک بحث دیگری است. ولی ما این را هم قبول نداریم که هر دینی که آمد دین قبلی منسوخ شد. اگر چنین باشد مثلاً وقتی دین مسیح آمد باید ادیان دیگر منسوخ شده باشد و میلیونها نفر هندو و چینی و غیره اگر در دنیا بودند باید به جهنم بروند. این تفسیر خیلی سخیفی از مفهوم رحمت الهی و حق است. چنین تفسیری برای الوهیت قابل پذیرش نیست.

چنین چیزی را ما سنت‌گرایان رد می کنیم. نظر ما این است که خداوند ادیان مختلف را فرستاده که آخرین آن اسلام است و اسلام دین ختم و تمام است. در خود قرآن نیز وقتی صحبت از "إِن الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ" می شود فقط اشاره به دینی که از قرآن بیرون آمده نیست چون خود حضرت ابراهیم نیز خداوند می‌فرماید که مسلمان بوده است و خود حضرت عیسی مسلمان بوده است.

ما مخالف با این دیدگاه هستیم که چون تشنت در ادیان مختلف وجود دارد پس همه ادیان غلط است. این مثل این است که بگوئیم چون درختهای میوه گوناگون وجود دارد پس میوه اصلاً وجود ندارد. ولی این نظر بسیاری از نظریه پردازان غربی از جمله کارل مارکس مؤسس کمونیسم است. بسیاری از فلاسفه لا ادی اروپا تا به امروز یکی از دلایلی که برای انکار حقانیت دین می‌آورند این است که بیش از یک دین در دنیا وجود دارد.

سومین دیدگاه قائل است که دین ما حق و درست است و ادیان دیگر حقانیت ندارند و باطل هستند. این نظر خیلی از عوام در همه ادیان است. البته این دیدگاه در اسلام کمتر شیوع دارد و در غرب بیشتر. برای نمونه مسیحیان فکر می‌کنند که آنها به بهشت می‌روند و بقیه همه محکوم به جهنم هستند. این دیدگاه نیز مخالف عدالت الهی و مخالف نص قرآن است.

تمام حکومت‌های اسلامی طبق شریعت اسلامی حفظ جان و مال اهل کتاب را واجب می‌دانستند. این ثابت می کند که مطابق اسلام اهل کتاب کسانی بودند که مطابق دین خود می‌توانستند به سعادت دستیابی داشته باشند. و گرنه این چه منطقی است که جان و مال افراد را حفظ کرد برای اینکه آنها به جهنم بروند. این چیزی غیر منطقی خواهد بود.

در تمام شریعت‌ها و از جمله در اسلام چه سنی و چه شیعه این اصل آمده است. در طول قرن‌ها چه در عثمانی چه در حکومت ساسانی، چه در دوره صفوی و چه در دوره سلجوقی و چه در دوره خلفا و چه زمان ممالیک، مسیحیان زیادی بین مسلمانان زندگی می‌کردند و مسلمانان قدرت نظامی داشتند که به همه این مسیحیان بگویند که شما باید مسلمان شوید ولی هیچ کدام از این حکومت‌ها این کار را نکردند و طبق احکام دین علمای دین چنین اجازه‌ای را ندادند. از اینرو مسیحیان آزاد بودند و به حرف و مشاغل مختلف هم مشغول بودند و به هنرهایی چون معماری نیز مشغول می‌شوند.

همچنین برای یهودیان و زرتشتی‌ها نیز همین وضع وجود داشت. بعداً که اسلام به قاره آفریقا رفت نیز همین وضع جاری بود.

ادیان کاذب در مورد حقانیت دینی چه دیدگاهی دارند؟

خیلی از ادیان کاذبی که در قرن نوزدهم ایجاد شد مخصوصاً ادیان کاذب قرن بیستم می‌گویند ما به همه ادیان اعتقاد داریم و می‌آئیم آنچه وجه مشترک ادیان است را قبول کنیم و بیایید با هم دوست شویم و بقیه چیزهای ادیان را بریزیم دور.

سنت‌گراها مثل بنده با این اصل نیز مخالف هستند. باید توجه داشت که هر دینی یک نظام کاملی است که از سوی خداوند آمده

است. البته منظور من هر دین زنده و آسمانی و نه ادیان بشر ساخته است.

هر دین احکام و اخلاق خود را دارد. همچنین هر دین کلام و فلسفه خاص خود را داراست که همه اینها محترم است. ما معتقد هستیم که در نقطه اعلای حقیقت و آنچیزی که فریتوف شوآن آنرا وحدت متعالی ادیان می‌نامد اشتراک وجود دارد و گر نه اینکه چگونه وارد کلیسا شد و یا چگونه وارد کنیسه شد آداب خاص خود را دارد. اینها در واقع آداب مذهبی است.

ولی معنای واقعی آن عمل که خشوع و تواضع به درگاه خداوند است مشترک است. لذا ما اعتقاد داریم که ادیان سماوی با هم مساوی نیستند. بحث من در عالم صورت نیست بلکه در عالم معناست. من بارها این شعر مولانا را گفته ام که:

اختلاف خلق از نام اوفتاد چون به معنی رفت آرام اوفتاد
از نظرگاه است ای مغز وجود اختلاف مؤمن و گبر و جهود

هر چه بنده در طول این 50 سال گفته‌ام همین یک بیت مولاناست. این در واقع بحث از رفتن از صورت به معناست. لذا ما هم مدافع حقانیت ادیان سماوی هستیم. همچنین معتقد هستیم که در وضع فعلی جهان احترام متقابل ادیان به یکدیگر لازم است. این احترام به ویژه در جاهایی که ادیان با یکدیگر برخورد دارند لازم و ضروری است. چنانکه در اسپانیا، اصفهان و هندوستان این چنین وضعی بود که ادیان در کنار هم با احترام زندگی می‌کردند. ثالثاً باید توجه داشت که ادیان در درونشان وحدت است. اینکه بخواهیم در صورت بیرونی وجه مشترک ادیان را بگیریم و بقیه چیزها را بریزیم بیرون این یعنی ما استغفرالله خودمان ادعای رسالت و الوهیت کرده ایم.

خیلی از متفکران امروز دارند این کار را می‌کنند. برای خیر بشر می‌گویند برای رفع اختلاف بیائید موارد اختلاف را بریزیم بیرون و بقیه مشترکات را حفظ کنیم. اینها معتقد هستند که مثلاً اینکه یهودیان و مسلمانان گوشت خوک نمی‌خورند و مسیحیان می‌خورند خیلی چیز مهمی نیست و برای نمونه بیائید به فقرا کمک کنیم.

.....

گفتگو از جواد حیران‌نیا